

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۷۸ / ۱۹۱ / ۲۰۹



دانشگاه فردوسی مشهد

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب



عنوان:

القيمُ الاخلاقية في شعر عددٍ من الشعراء الجاهلية

استاد راهنما:

دکتر محمد فاضلی

استاد مشاور:

دکتر سید محمود اسداللهی

دانشجو:

حمید احمدیان

مهرماه ۱۳۷۶

1610/2

۲۷۹۱۵

تقدیم به :

آستان ملکوتی ثامن الحجج

و

آنانکه خالصانه در راه اشاعه علم از خود مایه می گزارند

تشکر و قدردانی

به عهده خود می دانم تشکر و قدردانی را نثار آنانی کنم که به طرق مختلف روشنگر راهم بوده اند.

جناب استاد دکتر محمد فاضلی ، استادراهنما ، که با سعه صدر فراوان در کلیه مراحل پژوهشی و تدوین این پایان نامه مشعلدار هدایتم بوده ، و استاد بزرگوار جناب دکتر سید محمود اسداللهی ، استاد مشاور ، به خاطر رهنمودهای ارزنده اصلاحی ایشان که ثمره این پژوهش را بارورتر کرد .

وسرانجام از تمامی عزیزانی که در این مدت به نوعی از همکاری آنان برخوردار بوده ام سپاسگزارم .

آیه اخلاقِ کانتَ للعربِ فی الجاهلیةِ ما أشرفها!؟ بها یتحاجزونَ فی الحیاةِ الدنیا .

اخلاق اعراب جاهلی چه شریف و پسندیده بود؟ آنها بوسیله این اخلاق از هرج و مرج در زندگی دنیوی
پیش گیری می کردند

حضرت پیامبر (ص)

به نقل از عمر الدسوقی ، الفتوة عند العرب ، ص ۱۳۹ .

يُكشَفُ هَذَا الشَّعْرُ الجَاهِلِيَّ عَنِ المَثَلِ الاعْلَى لفضيلة العربيّ التي تُعبّر عنها لَفْظَةُ المَرْوَةِ

این شعر جاهلی نمونه والای فضیلت انسان عرب که واژه مردانگی و مروت آن را تبلور می بخشد ،

نمایان می سازد

القرشی ، جمهرة اشعار العرب ، به نقل از تاریخ العرب ، فیلیپ حتی ، ج ۱ ، ص ۱۳۱ .

فهرست موضوعات

الف - ح	منفره	
۳-۲۷		فصل اول : نگاهی اجمالی به معنای جاهلیت ، تمدن عرب ، اخلاق و معنای آن
۳		۱- جاهلیت و معنای آن
۴		۲- واژه جاهلیت در قرآن
۵		۳- مهمترین دلایل کسانی که به جهل عرب قائلند
۶		الف- زنده به گور کردن دختران
۷		ب- بت پرستی
۸		ج- شراب خواری
۱۰		د- جنگ و خونریزی
۱۱		ه- بد حجابی
۱۲		۴- تمدن عرب جاهلی
۱۶		۵- مجدو بزرگی و اهمیت آن نزد اعراب جاهلی
۱۹		۶- دیدگاه مسلمانان نسبت به اخلاق جاهلی
۲۱		۷- شعر جاهلی نماد و آئینه ای از اخلاق عرب
۲۴		۸- اخلاق
۲۴		الف- تعریف اخلاق
۲۵		ب- طبع انسان و میل آن به خیر
۵۷-۲۹		فصل دوم: بخشندگی و کرم
۲۹		۱- بخشندگی عرب جاهلی
۳۵		۲- عرب جاهلی بهترین دارایی خود را می بخشید
۴۰		۳- عرب همه دارایی خود را می بخشید
۴۲		۴- ملامت زنان عرب جاهلی را بخاطر زیاده روی در بخشندگی
۴۵		۵- زمان بخشندگی اعراب جاهلی
۴۸		۶- شادمانی عرب جاهلی به هنگام بخشش
۵۰		۷- مذمت بغل
۵۲		۸- آتش مهمانی
۵۳		۹- هر شجاعی بخشنده است و هر بخشنده ای شجاع است
۵۴		۱۰- علل جود و کرم اعراب جاهلی
۸۲-۵۹		فصل سوم: شجاعت
۵۹		۱- شجاعت جاهلی در میدان نبرد
۶۷		۲- صداقت جاهلی در شجاعت
۶۹		۳- ظلم ستیزی
۷۳		۴- پایداری و استقامت
۷۷		۵- انتقام جویی

۷۹	۶-استقبال از مرگ
۱۰۵-۸۵	فصل چهارم: حمایت از ضعیفان، عقل و اندیشه عرب جاهلی
۸۵	۱-حمایت از ضعیفان
۸۵	الف-حمایت از ستمدیدگان
۸۷	ب-آزادی اسیران
۸۸	ج-حمایت از همسایگان
۹۲	د-حمایت از زنان
۹۳	۲-عقل، بردباری و صلح دوستی
۹۳	الف-عقل و اندیشه عرب جاهلی
۹۸	ب-حلم و بردباری
۱۰۰	ج-صلح دوستی
۱۲۹-۱۰۷	فصل پنجم: دیگر صفات و خصال پسندیده اعراب جاهلی
۱۰۷	۱-وفاء به عهد
۱۰۹	۲-امانتداری
۱۱۱	۳-راستگویی
۱۱۱	۴-احترام به خویشاوندان و فداکاری نسبت به آنها
۱۱۲	الف-فداکاری نسبت به خویشان
۱۱۴	ب-احترام به خویشاوندان
۱۱۵	۵-احترام به دوستان
۱۱۷	۶-عفت و پاکدامنی
۱۲۲	۷-متانت و وقار
۱۲۴	۸-خوشخویی
۱۲۵	۹-بزرگمنشی
۱۲۵	الف-چشمپوشی از غنایم جنگی
۱۲۶	ب-ایثار در غذا و تحمل گرسنگی
۱۴۸-۱۳۲	فصل ششم: دینداری
۱۳۲	۱-دیدگاه دانش پژوهان درباره دیانت جاهلی
۱۳۷	۲-صحت و یا سقم اشعاری که دیانت عرب جاهلی را نشان می دهد
۱۳۹	۳-عمق و اصول دیانت عرب
۱۳۹	الف-نام خداوند در اشعار عرب
۱۴۱	ب-عمق و اصول دیانت عرب
۱۵۰	فهرست آیات
۱۶۹-۱۵۱	فهرست اشعار
۱۷۳-۱۷۰	فهرست منابع و مأخذ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

سپاس و ستایش خدایی که انسان را آفرید و اخلاق نکو را برنامه زندگی وی قرار داد، و درود بی پایان بر سرور کائنات و برگزیده پیامبران که با اخلاق نکوی خویش دوست و دشمن را مجذوب خویش کرده و خدای تعالی او را به آیه مبارکه ((أَنْتَكَ لَقَلِي خَلْقٍ عَظِيمٍ^۱)) مفتخر فرموده اند؛ و درود و سلام بر سلاله پاک و خاندان تابناک نبوت که خداوند سبحان ((أَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً^۲)) در این ((پایان نامه)) گهر گرانهای اخلاق که به فرموده پیامبر درختی از درختان بهشتی است^۳ از دیدگاه اعراب جاهلی - که به قول خلیفه دوم ((اصل و اساس اسلامند^۴)) مورد بحث و بررسی قرار داده ایم؛ و با عبارت دیگر به معرفی ارزشهای اخلاقی در جامعه جاهلی پرداخته ایم.

ظاهر بیان با مشاهده صفت ((جاهلی)) - که برای این قوم بکار میرود - آنان را جاهل، نادان، متجاوز و... خوانده اند، این در حالی است که پیامبر اسلام اخلاق آنها را

(۱) اشاره به این آیه مبارکه است: ((أَنْتَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً)). ای اهل بیت! همانا خداوند می خواهد بدی و ناپاکی را از شما دور کرده و شما را پاک و منزّه گرداند. سوره الأحزاب (۳۳) آیه ۳۳.

(۲) سوره القلم (۶۸) آیه ۴. بدرستی که تو دارای اخلاق عظیم (پسندیده ای) هستی

(۳) اشاره به این حدیث نبوی است: ((السَّخَاءُ شَجَرَةٌ مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ...)). جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۱۶.

(۴) فیلیپ حتی، تاریخ العرب، چاپ دوم، دارالکشاف، ۱۹۵۲، ج ۱، ص ۱۱۷.

اخلاقی شریف و پسندیده که راهنمای آنها بسوی نجات و رستگاری است، معرفی می کند.^۵

به جرأت می توان ادعا کرد که گاهی شاعر جاهلی در مقایسه با برخی شاعران دوره اسلامی بیشتر به اخلاقیات مقید و معتقد است. کدام شاعر اسلامی توانسته است با نهایت عفت پاکدامنی و بدون ترس از آتش جهنم و امید به بهشت همچون ((عنتره^۶))، شاعر جاهلی، بسراید:

واغض طرفی ما بدت لی جارتی حتی یواری جارتی ماواها^۷
یکی از صحابه پیامبر (ص) میگوید: کاش اخلاقی همچون اخلاق پسندیده اجداد جاهلی خود داشتیم. ((عنتره)) با اینکه جاهلی است و دینی نداشت چنین میگوید:
ولی ((ابونواس))^۸ با اینکه مسلمان است و دینی دارد می گوید:

كان الشباب مطیةً الجهلِ ومحسن الضحكات والهزل
والباعثی والناس قدر قدوا حتی أتیت حليلة البعل^۹

گویند خلیفه دوم، وقتی این بیت ((عنتره)) را شنید:

وابیت علی الطوی وأظلة حتی أنال به کریم الماکل^{۱۰}

گفت: ((ذاك رسول الله)) یعنی مصداق این بیت پیامبر است.^{۱۱}

(^۵) عمر الدسوقی، الفتوه عند العرب، چاپ سوّم، مکتبه نهضة مصر، ۱۹۵۹م، ص ۱۳۹.

(^۶) برای شرح^{۱۱} او به صفحه ۱۱۹ مراجعه شود.

(^۷) دیوان عنتره، ص ۳۸. معنی بیت: وقتی که زن همسایه خود را بینم چشمان خود را پائین مانند ازدم تا اینکه وارد منزل خود شود.

(^۸) حسین بن هانی معروف به ابونواس در سال ۷۶۲م در اهواز بدنیا آمد. وی از شاعران بنام عصر عباسی است. ابونواس شاعری شراب خوار، بؤله گو ویی حیا بود که قوانین اسلام را مراعات نمی کرد. الجامع فی الادب العربی، ج ۱، ص ۶۹۲.

(^۹) ابن عبدربه، العقد الفرید، تصحیح عبدالحمید الترحینی، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت -

لبنان، ۱۴۰۴ هـ - ۱۹۸۳م، ج ۶، ص ۳. جوانی سبب جهل، بؤله گوئی و مزاح بود، و در آن هنگام که مردم به خواب روند مرا به دیدار زنان بروم. حليلة: زن. بعل: شوهر.

(^{۱۰}) مفهوم بیت: گرسنگی را تحمل میکنم تا اینکه به خوانی کریمانه و سفره ای که در خور شخصیت

من است برسم.

(^{۱۱}) مقدمه دیوان عنتره، ص ۵.

برای نگارش این ((پایان نامه)) تنها منبع خود را اشعار جاهلی که بنا به گفته ((فیلیپ حتی)) : تقریباً تنها منبعی است که در اختیار ما است^{۱۲} ملاک قرار داده ایم و بحق که این شعر بدون دروغ و گزافه‌گویی زندگی و اخلاق این قوم را برای ما بتصویر می‌کشد. مناسبترین اشعاری که می‌توان در آنها به مبالغه و غلو پرداخت اشعار حماسی است که در آنها شاعر به وصف صحنه‌های نبرد می‌پردازد ولی در همین اشعار بنا به قول دکتر محمد فاضلی : ((شاعر جاهلی صحنه‌های جنگ را میدانی برای کر و فرّ و زور آزمایی خدایان قرار نمی‌دهد و به تصورات مبهم و تاریک نمی‌پردازد، بلکه ما جرا را چنان که بود باز گو می‌کند.))^{۱۳}

داستانی که صاحب کتاب ((اغانی)) نقل می‌کند بخوبی نشان می‌دهد آنچه که در شعر جاهلی آمده و به نظر ما مبالغه و گزافه‌گویی می‌رسد در حقیقت مبالغه نیست، بلکه عین واقعیت است. خلاصه داستان چنین است: روزی پیامبر در مجلسی نشسته بود و از حاضرین که همه از قبیله ((خزرج))^{۱۴} یعنی دشمنان سر سخت قبیله ((اوس))^{۱۵} بودند می‌خواهد کسی قصیده ((قیس بن خطیم اوسی^{۱۶})) را برای وی بخواند. یکی از حاضرین برخاست و این قصیده را برای حضرت خواند. وقتی که به این بیت رسید :

أجاید همّ يوم الحديقه حا سرآ كأنّ یدی فی السیف مخراق لاعب^{۱۷}

(۱۲) تاریخ العرب، ج ۱، ص ۱۳۰.

(۱۳) محمد فاضلی، حماسه سرایی در ادبیات عرب، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۶۹، ص ۷۰۰.

(۱۴) اوس از قبایل بزرگ قحطانی است. موطن اصلی این قبیله یمن بوده است و سپس به مدینه هجرت کرده اند و میان آنها و قبیله خزرج جنگهای روی داده است که بیش از ده سال دوام داشته قبیله اوس در جاهلیت منات را می‌پرستیدند و چون پیغمبر اسلام بمدینه هجرت کرد اوس و خزرج به یاری او برخاستند و در پیشرفت اسلام کوشش کردند و به نام انصار معروف شدند. لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص ۴۹۳.

(۱۵) برای شرح آن به صفحه ۶۸ مراجعه شود

(۱۶) برای شرح حال وی به صفحه ۶۸ مراجعه شود.

(۱۷) برای معنی بیت به صفحه ۶۸ مراجعه شود.

پیامبر احساس کردند که این ادعا از طرف شاعر جاهلی دروغ و گزافه گوئی است که کسی بدون زره وارد میدان نبرد شود و چنین گستاخانه به جنگ دشمن برود، لذا پیامبر از حاضرین می پرسند: آیا کسی از شما قول این شاعر را تایید می کند؟ در این هنگام ((قیس بن شماس خزرجی^{۱۸})) که در دوران جاهلیت از دشمنان شاعر و قبیله وی بود بر خواست و به پیامبر گفت: ای رسول خدا! سوگند به خدایسی که تو را به حق فرستاد این شاعر در روز ((حدیقه)) در حالی که بی زره بود و تنها پیراهنی به تن داشت با ما جنگید.^{۱۹}

هدف از نگارش این ((پایان نامه)) رد دیدگاهها و اعتقادات نادرستی است که درباره اعراب جاهلی و کتب تاریخ نقل شده، می باشد. و همین طور که گذشت شعر آنها را ملاک قرار دادیم هر چند از آراء و نظرات صاحب نظران غفلت نکردیم. برای این کار به پیشنهاد استاد راهنما، جناب استاد محمد فاضلی، سیزده شاعر جاهلی انتخاب شد. شاعران مورد نظر که دیوان آنها کاملاً بررسی شد ((زهیر بن ابی سلمی))، ((حاتم طایی))، ((عنتره بن شداد عبسی))، ((اعشی))، ((نابغه ذبیانی))، ((عبید بن الابرص))، ((عروه بن الورد))، ((تأبط شراً))، ((طرفه بن العبد))، ((سموأل))، ((عدی بن زید)) و ((شنفری)) می باشند.^{۲۰} همه این شاعران از شاعران معروف و مشهور دوره جاهلی می باشند و تمامی آنها جز ((شنفری)) دارای دیوان هستند. برای بررسی اشعار این شاعر به کتب ادب و مجموعه های شعری مراجعه کردم.

علاوه بر دیوان این شاعران به ((حماسه بحتری))، ((اصمعیات))، ((مفضلیات)) و ((جمهره اشعار العرب)) مراجعه شد و از شعر دیگر شاعران جاهلی استفاده کردیم. این گروه از شاعران - اکثراً - از شاعران مشهور جاهلی نیستند، بلکه از شاعرانی هستند که فقط چند قصیده و یا چند قطعه شعری از آنها بدست ما رسیده ولی در همین قصاید و قطعات، نکات اخلاقی فراوانی آمده است که برای هر چه پربار کردن این ((پایان نامه)) از آنها استفاده کردیم. برخی از این شاعران همچون ((اعشی)) و ((درید بن الصّمّه)) در دوره اسلامی نیز زبیهسته اند و به اصطلاح از شاعران ((مخضرم

^{۱۸}) برای شرح حال وی به صفحه ۸/مراجعه شود

^{۱۹}) الأصبهانی، الأغانی، مؤسسة جمال، ج ۳، ص ۷.

^{۲۰}) شرح حال تمام این شاعران مختصراً در پایین نامه آمده است.

((می باشند ولی هیچکدام از آنها اسلام نیاوردند لذا مبدا تصور شود که این ارزشهای اخلاقی را از دین اسلام آموخته اند .

این پایان نامه شامل یک مقدمه و شش فصل می باشد . در فصل اول واژه جاهلیت و معنای آن و نیز اخلاق و تمدن عرب مورد نقد و بررسی قرار گرفته است . در فصل دوم بخشندگی و کرم اعراب جاهلی مفصلاً بحث و بررسی شد و در آن دیدگاه جاهلی نسبت به این خوی پسندیده و اصول و قواعد آن از دیدگاه جاهلی و سپس علل وجود آن میان اعراب جاهلی بیان گردید . این فصل بر دیگر فصول مقدم شد ، زیرا هیچ عرب جاهلی را نمی توان یافت که به این خوی پسندیده آراسته نباشد و هیچ شاعری نیست که اشعار خود را با آن مزین نکرده باشد . فصل سوم را به شجاعت اعراب جاهلی اختصاص دادیم و آن را بعد از فصل بخشندگی قرار دادیم ، زیرا معتقدم که بعد از بخشندگی مهمترین و زیباترین صفتی که عرب بدان افتخار کرده شجاعت می باشد . در این فصل نیز اصولی که قوام و کمال شجاعت بدان است همچون پایداری ، استقامت ، استقبال از مرگ ، انتقام جویی و... بیان گردید .

در فصل چهارم صفت پسندیده حمایت از ضعیفان و عقل و اندیشه جاهلی سپس بردباری این قوم و صلح دوستی آنها پرداختیم . با توجه به اینکه گروهی شجاعت عرب جاهلی را نوعی تجاوز و توحش و ظلم و ستم به ضعیفان می دانند این فصل را بعد از فصل شجاعت قرار دادیم و در آن نشان دادیم که این قوم بر خلاف تصور برخی محققان ، تجاوز گر و ظالم نبوده اند بلکه از تجاوز خطاکاران جوانمردانه می گذشتند و صلح و صفا را دوست می داشتند و از ضعیفان حمایت و پشتیبانی می نمودند . در فصل پنجم دیگر صفات نیک و خصال پسندیده ، همچون وفاداری ، بزرگ منشی ، خوش خلقی ، امانتداری و ... بیان گردید . و سر انجام در فصل پایانی دیانت اعراب جاهلی و دیدگاه صاحب نظران در باره آن سپس اصول و قواعد آن دیانت را با استفاده از اشعار آنها مورد نقد و بررسی قرار دادیم . امید است که توانسته باشیم حق مطلب را ادا کرده و روزنه روشن و جدید دیگری بر اخلاق و خصوصیات اعراب جاهلی و زندگی آنها گشوده باشیم .

((ومن الله التوفيق))

(^{۲۱}) شاعر منضم به شاعری گویند که در دوره جاهلی می زیست و مقدراتی از عمر خود را در دوره اسلامی نیز سپری کرده است .

فصل اول : نگاهی اجمالی به معنای جاهلیت . تمدن عرب، اخلاق و معنای آن

۱- جاهلیت و معنای آن

۲- واژه جاهلیت در قرآن

۳- مهم ترین دلایل کسانی که به جهل عرب قائل هستند

الف- زنده به گور کردن دختران

ب- بت پرستی

ج- شرابخواری

د- جنگ و خونریزی

ه- بد حجابی

۴- تمدن عرب جاهلی

۵- مجد و بزرگی و اهمیت آن نزد عرب جاهلی

۶- دیدگاه مسلمانان نسبت به اخلاق جاهلی

۷- شعر جاهلی نماد و آینه ای از اخلاق عرب

۸- اخلاق

الف- تعریف اخلاق

ب- طبع انسان و میل آن به خیر

هصل اول

نگاهی اجمالی به معنای جاهلیت، تمدن عرب، اخلاق و معنای آن

۱- جاهلیت و معنای آن

دوران جاهلیت به دوره قبل از بعثت پیامبر اطلاق می شود که این دوران حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال قبل از بعثت می باشد^۱. محققین در باره معنی این واژه بسیار نوشته اند، ولی در معنای آن اختلاف نظر دارند. عده ای معتقدند جاهل ضد علم است و به معنای نادانی است، و جاهلیت به زمانی می گویند که اعراب در جهل و نادانی به سر می بردند. و گروهی معتقدند که جاهل در اینجا ضد علم نیست بلکه مقابل حلم و بردباری است. مادر اینجا سخن گروهی از این بزرگان را در باره معنی جاهلیت نقل کرده به بررسی آن می پردازیم.

((فیلیپ حتی)) می نویسد: اکثر محققین معتقدند که جاهلیت به زمان جهل و نادانی اطلاق می شود، در صورتی که حقیقت غیر از آن است. جاهلیت در حقیقت به زمانی می گویند که در آن اعراب نه دینی داشتند و نه پیامبری و نه کتاب آسمانی^۲. ((جرجی زیدان))^۳ نیز چنین معتقد است. وی می گوید: شاید کسانی گمان کنند که اعراب بدوی بخاطر دور بودن از تمدن و پرداختن به جنگ و غارتگری جاهل بوده اند، ولی از آنچه که بدست ما رسیده معلوم می شود که آنها عاقلانی بوده اند اندیشمندان، خوش فکر و دور اندیش^۴. بخاطر همین است گروهی از محققان معتقدند شاعران

(^۱) رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳، ص ۷۳.

(^۲) فیلیپ حتی، تاریخ العرب، چاپ دوم، دار الکشاف، ۱۹۵۲، ج ۱، ص ۱۱۷.

(^۳) مورخ معاصر لبنانی در سال ۱۸۶۱ م به دنیا آمد و در سال ۱۹۱۴ وفات یافت. از آثار وی العرب قبل الاسلام، تاریخ التمدن الاسلامی و تاریخ مصر الحدیث را می توان نام برد. الجامع، ج ۲، ص ۱۹۱.

(^۴) جرجی زیدان، تاریخ آداب اللغة العربیة، دار مکتبة الحیاء، بیروت - لبنان، ۱۹۸۳ م، ج ۱، ص ۳۰.